

بررسی يك كتاب



مدخل تاريخ شرق اسلامي (تحليل كتابشناختي)، تاليف ژان سواژه، تحرير جديد برمبنای ویرایش دوم به اهتمام کلود کاهن، ترجمه نوش آفرین انصاری (محقق) چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶، ۴۷۳، صفحه، ۲۰۰۰ ریال

اندیشمندان در محدوده مفروضه‌های طبقاتی و از پیش تعیین شده خویش سخت گرفتارند، اما هرگز نقش اجتماعی اسلام را منکر نشده یا نمی‌توانند انکار کنند. البته نوشتارها و پژوهشهای اینگونه متفاضلان، هرچند بر صواب و یا ناصواب باشد، نه از اهمیت اسلام بعنوان یک دعوی و شریعت جهانی خواهد کاست و نه مقام اسلام را متعالی خواهد نمود.

حقیقت این است این همه آثاری که در زمینه شریعت، سیاست، معیشت، معاشرت و در یک کلام در حیات مادی و معنوی مسلمین بقلم آمده فقط و فقط منبعث از نشأ الهی قرآن و تعلق خاطر مسلمانان به رواج علم و دانش است، و دانش مسلمین نیز منحصر به

از دیدگاه مطالعه تحولات و تطورات تاریخی، اسلام در مقام رسالت توحیدی والهی، از دوره آغازین تاکنون، حضور فعال در بستر تاریخ داشته و دارد. و این حضور نه فقط از لحاظ اعتقادی است، بلکه از لحاظ فرهنگی و علمی هم اثرات حضور اسلام مشهود بوده و هرگز جریانات حاد و یا حملات سخت و توطئه‌های اندیشه‌آور نتوانسته این رسالت و خلاقیت فرهنگی را در بوته انطماس و یا امحاء قرار دهد.

در این میان، حتی پژوهشگران و دانشمندانی که دانسته یا ندانسته از دیدگاه مادی به اسلام نگریسته‌اند، نتوانست‌اند منزلت تاریخی و جهانی اسلام را نادیده و یا کم اهمیت جلوه دهند. اگر چه این به اصطلاح

اعتقادات و اجتماعیات نبوده است.

گردیده است. ©

* در ارتباط با سیر و تطور تاریخی و جغرافیایی گسترش اسلام، اثر ذیل جالب و خواندنی است: سیر نوماس آرنولد، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه دکتر ابوالفضل عزتی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸ (شماره ۱۷۲۲)، بویژه فصلهای هفتم و هشتم کتاب که پیرامون انتشار اسلام در ایران و آسیای مرکزی و مغول و تاتار می‌باشد.

و در زمینه گسترش و حضور اسلام در آسیای مرکزی جدا از تحقیقات غربیان، مطالعات مفصلی توسط دانشمندان و محققان ترک در استانبول و آنکارا انجام پذیرفته که مهمترین آنها مقالات فاروق سومر، استاد صادق عدنان ارزی و تحقیقات دکتر ارخون‌لو و مطالعات استاد عظیم‌الشان پروفیسور گوک بیگلین می‌باشد.

© اکنون تحقیقات و مطالعات فقط در زمینه اسلام نیست بلکه به گسترش جغرافیایی و تاریخی و اعتقادی اسلام هم توجه می‌شود. اگرچه بهانه‌های واهی مال‌اندوزی توسط اعراب مسلمان بعنوان عامل فتوحات که توسط برخی از شرق شناسان مزدور مطرح گردیده، دیگر راهی بدهی نمی‌برد و اینگونه حرب‌های بی‌اثر و زنگزده چیزی جز استیصال علمی و یا احیاناً احياء «صلیبت فرهنگی» نیست. و مویه‌های بی‌فایده برخی از نویسندگان پیرامون شکست ساسانیان (نه ایرانیان) از اعراب مسلمان را نیز در حد همان لایه‌ها و مویه‌ها می‌توان تلقی کرد و تاکنون سخن استوار و متقنی که بتواند فضاقت فرهنگی و اجتماعی ساسانیان را تیرنه کنند ارائه نداده‌اند.

© برای نمونه می‌توان از این کتابها نام برد: جهان اسلام، تألیف برتولد اشپولر، ترجمه دکتر قمر آریان، تهران، امیرکبیر، (مقدمه مترجم ۱۳۵۳ بدون قید سال چاپ). و طبقات سلاطین اسلام، تألیف استانبولی‌پل، ترجمه عباس اقبال، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳. و جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، تألیف استاد محمود عرفان، چاپ دوم، ۱۳۶۴ (چاپ اول توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۳۷). و فرهنگ الیسه مسلمانان، تألیف پ. آ. دزی، ترجمه حسینی هروی، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.

البته به همه تحقیقات و مطالعات شرق شناسان نمی‌توان بدیده غرض نگریست، و هرچند که نمی‌توان هم‌اشار آنان را مقبول و مطلوب یافت. کارهای اکثر ایرانشناسان و اسلامشناسان عاری و خالی از اغراض سیاسی و فرهنگی نیست. و چه بسا غارت میراث‌های فرهنگی بلاد اسلامی با معرفی شرق شناسان و توسط استعمارگران انجام پذیرفته است و اکنون موزه‌های ممالک بزرگ شرق و غرب از آثار هنری و اسلامی مشحون است. و مستأسفانه باید گفت در گذشته برخی از افراد به نام استاد در تاراج آثار فرهنگی و اسلامی ما دست داشته‌اند و بسیاری از کتب نفیس خطی را به ثمن بخش یا اجانب فروخته‌اند که زهی بی‌شرمی!

همزمان با گسترش جغرافیائی اسلام* و مجابیه با افکار و اندیشه‌های غیر اسلامی، مسلمین توانستند با اتکال به کلام الهی، جای پای مناسب در دنیای علم و دانش از خود باقی بگذارند و به محمّدت این تلاش، اکنون دنیای اسلام به بسیاری از فقیهان و عالمان می‌بالد و اگر فرصتی دست دهد تا همه آثار و مآثر این بزرگان شریعت و دانش صورت انطباع یابد، عظمت تلاش مسلمین را نشان خواهد داد، که البته جای مباحث و مفخرت است. ©

یکی از ویژگی‌های دانش مسلمین، تنوع و توسع موضوعی آن است، زیرا دامنه بسیاری از علوم در پرتو معارف قرآن گسترده گردید و زمینه را برای دانش‌پژوهان خلف آماده نموده است. از جمله این دانشها، تاریخ نگاری و تاریخ نگری است، و البته بحث پیرامون تاریخ نگری و آراء مسلمین درباره تاریخ، جدا از این مقاله است.

و اکنون سخن برسر تلاشی است که مسلمین در زمینه تاریخ انجام داده‌اند و ایرانیان نیز مقامی والا در آن دارند، بگونه‌ای که مورخان دروه‌های گوناگون ایران، کمتر از مورخان دیگر بلاد اسلامی نیستند، و حتی در برخی از ادوار تاریخی با مورخین دانشمندان و آزاده‌های چون بیهقی روبرو هستیم که روایت بردار شدن حسنک وزیر، با آن صلابت تحریر و صداقت بیان و روایت، از شگفتی‌ها و گفتنی‌های تاریخ ایران است.

در اینجا تذکر این نکته مناسب است که اسلوب مرضیه بیهقی باید فراسوی نویسندگان و مورخان دیگر قرار گیرد و امانت در روایت را از او بیاموزند.

همین گستردگی موضوعی علوم و معارف اسلامی سبب شده که در ابعاد و ابجاط مختلف فرهنگی و علمی آثار و نوشته‌هایی توسط دانشمندان اسلامی و اروپایی تألیف و در اختیار علاقمندان قرار گیرد. و بسیاری از این آثار توسط مترجمان فرزانه و تلاشمند به فارسی ترجمه

انگلیسی به فارسی از روی همین چاپ انجام گرفت.»^(۲) مترجم درباره کتاب می‌گوید: «اطلاعات برخی از قسمتهای کتاب قدیمی است، ولی بسیاری از اطلاعات

* اطلاق «اسلامی» برای سلسله‌هایی که بر بلاد و ممالک اسلامی حکومت رانده‌اند یک اصطلاح تاریخی- سیاسی است تا فقهی و یا دینی. بسیاری از حکومت‌هایی که به نام اسلام در تاریخ ایران دولت تشکیل داده‌اند اگرچه خود را مجری شریعت اسلامی دانستند اما رفتارهایشان خلاف موازین اسلامی بوده است. بنابراین مسأله دولت، حکومت و قدرت از موضوعاتی است که متفکران شیعه و یا اهل سنت در باره آن اگر در اصول و اسلوب اتفاق نظر داشته باشند، در نحوه استدلال و استدراک آنها تخالف وجود دارد. شگفتی است که اندیشمندی چون امام محمد غزالی، ستم‌بارگانی چون «سلاطین سلجوقی» را «سلطان» بنامد و مشروعیت حکومت آنان را تأیید کند و خلیفه شراپخواره عباسی را «امیرالمؤمنین» بخواند. غزالی اگرچه اندیشمند بزرگ و والایی است اما در نظرات سیاسی وی جای سؤال و تردید باقی است.

بنوان نمونه به برخی از کارهایی که در زمینه شناسایی مآخذ تاریخی انجام گرفته، اشاره می‌شود: فهرست کتابهای چاپی فارسی، تألیف خانابا مشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، در چند جلد، در بسیاری از فهرست‌های مطبوعه کتابخانه‌ها به معرفی آثار و منابع تاریخی پرداخته‌اند. و تاریخ در ایران، تألیف غلامحسین صدری افشار، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۵، اثر در شرح احوال و آثار مورخان و جغرافیدانان ایران است. و راهنمای ادبیات فارسی، تألیف خانم دکتر زهرا کیا (خانلری)، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۱، بخشی از کتاب در زمینه معرفی منابع فارسی تاریخی است. و تاریخ ایران بعد از اسلام، تألیف دکتر عبدالحسین زرین‌کوب (مقدمه طولانی کتاب درباره مآخذ و نقد آنها ص ۱۵۴-۱۷). و شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران از آغاز تا صفویه، تألیف دانشمند دکتر عزیزالله بیات، انتشارات امیرکبیر، و معرفی گونه‌های که اینجانب درباره این کتاب در مجله کیهان اندیشه (شماره ۱۳) نوشته است. و آثاری چون: تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، تألیف فرانتس روزنتال، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۵. و تاریخ در ترازو، تألیف استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴ و تاریخ‌شناسی (نقدی بر تاریخ و تاریخ‌نگاری)، تألیف مجید یکتایی، تهران، ۱۳۵۲ که بیشتر به نقد اسلوب و روشهای تاریخ‌نگاری اشاره دارند و جنبه‌های کیفی آن، تا معرفی و شرح منابع و مآخذ. و سرانجام باید از کتاب مفید و پراعتبار مدخل تاریخ شرق اسلامی یاد کرد که معرفی گونه آن در این صفحات مشاهده می‌شود.

© اصل متن انگلیسی نام کتاب و مؤلف به شرح ذیل است:

Sauvaget, Jean

Introduction to the history of the muslims east

تألیف مرجع‌شناسی در فرهنگ اسلامی سابقه دیرینه‌ای دارد و مسلمین در طبقه‌بندی موضوعی علوم، آثار ارزشمندی از خود بر جای نهاده‌اند^(۱) که پاره‌ای از آنها مانند کشف‌الظنون حاجی خلیفه شهرت کمال و تمام یافته است، ولی تحلیل کتاب شناسانه مآخذ تاریخی تاکنون کمتر صورت گرفته است.

ژان سواژه در کتاب «مدخل تاریخ شرق اسلامی» طرحی نو در انداخته و هدفش تحلیل و بررسی منابع تاریخی دنیای اسلام است. وسعت کار و زمینه تحقیقات او در این اثر بر حسب گسترش جغرافیایی و سیر تاریخی دولتهایی است که به نام دولت اسلامی معروف شده یا بردنیای اسلام حکومت نموده‌اند.*

در زمینه تحلیل کتاب شناسانه و مآخذ تاریخ اسلام و ایران چندین اثر در دسترس هست که بیشتر آنها عنایت به تاریخ ایران دارد و به منابع و مآخذ دیگر دول اسلامی کمتر اشارت رفته است، مگر در ارتباط با مناسبات سیاسی و یا نظامی.^۱

کتاب مدخل تاریخ شرق اسلامی (تحلیل کتاب شناختی)^۲ باتوجه به گسترش جغرافیایی دولتهای اسلامی و معرفی منابع و مآخذ مربوط به آنان، از اهمیت و ارزش والایی برخوردار است که علاقمندان به کارهای تحقیقی را فایده بخشد و اثری است ماندنی و عمیق.

چنانچه مترجم محترم در پیشگفتار با زگو نموده‌اند: «مدخل تاریخ شرق اسلامی، اثر ژان سواژه، اسلام‌شناس و مستشرق فرانسوی، نخست در سال ۱۹۴۳ منتشر شد و به عنوان تحلیلی کتابشناختی از تاریخ اسلام مقبولیت یافت و در سال ۱۹۴۶ باضمائمی تجدید چاپ گردید. مرگ ناگهانی مؤلف در سال ۱۹۵۰ ادامه کار و چاپهای بعدی را بردوش همکار و شاگرد وی کلود کاهن نهاد. او چاپ سوم را در سال ۱۹۶۱ و چاپ مجدد آن را با تحریر جدید برمبنای ویرایش دوم در سال ۱۹۶۵ منتشر کرد که ترجمه آن از

فتوحات اعراب، عباسیان و دولتهای پس از آن، اسماعیلیان و فاطمیان، سلاجقه و اعقاب آن، اسلام و جنگهای صلیبی، جهان اسلام در دوره مغول و تیموریان، ایران و شرق اسلامی غیرعثمانی از ظهور صفویه تا آغاز قرن نوزدهم، امپراطوری عثمانی، غرب و سرانجام غرب اسلامی.

در بخش سوم کتاب، عنایت مؤلف بیشتر به جنبه‌های ادواری و تاریخی دولتهاست. اگر چه در ضمن بررسی حکومتها، به حوادث مربوط به دنیای اسلام اشاره دارد، مانند بررسی منابع دوره سلاجقه که به جنگهای صلیبی و منابع مربوط به آن هم توجه شده است. البته هدف مؤلف محترم بیان و بررسی و تحلیل مراجع تاریخی است بدون هیچگونه نظری و قصدی.

ویژگیهای کتاب

- ۱- اثر، یک کار علمی و تحقیقی است پیرامون سلسله‌ها و حکومتها، فراسوی مرز جغرافیایی کنونی آنان، و تردید نباید داشت که نه فقط تألیف چنین اثری دشوار و مهارت علمی می‌طلبد، بلکه ترجمه آن نیز که بر مبنای تحلیل کتاب شناختی منابع تاریخی است کار چندان آسانی نیست. و اگر حوزه و زمینه جغرافیایی موضوع، موردتعمق و تأمل قرار گیرد ارزش و منزلت کار مؤلف و مترجم بوضوح عیان می‌گردد، زیرا یافتن و ضبط دقیق نام مولف، اثر، مکان، کتاب و با توجه به انبوه اعلام و نامها، چندان سهل و آسان نمی‌نماید، نه فقط فرصت و زمان می‌خواهد بلکه نیازمند فراست و دقت علمی است که در تألیف و ترجمه مشهود است.
- ۲- اثر، مدخلی مفید برای شناخت جغرافیای اسلام در شرق و غرب است و در مجموع به بسیاری از

مربوط به منابع بنیادی* کماکان اهمیت خود را حفظ کرده است. برای آگاهی از منابع جدیدتر، علاقه‌مندان باید از چاپ جدید ولی محدودتر این اثر توسط کلود کاهن تحت عنوان مدخل تاریخ شرق اسلامی، قرن هفتم- پانزدهم [اول تا نهم هجری] استفاده کنند.^(۳) محدوده مورد مطالعه کتاب، عبارت است از گسترش جغرافیایی اسلام و بررسی و معرفی دولتهایی که در شرق و غرب ممالک اسلامی حکومت داشته‌اند و به دو گروه تقسیم می‌شود: یکی حوزه غربی گسترش اسلام که عبارت است از آفریقای شمالی، اسپانیا و برای مدتی محدوده سیسیل و دیگری حوزه شرقی اسلام، شامل عربستان، سوریه، فلسطین، عراق، مصر، ایران، ترکیه (و ترکستان: اضافه شده توسط نگارنده) می‌باشد و تأکید مؤلف بیشتر برحوزه شرقی گسترش اسلام است.^(۴)

کتاب دارای سه بخش و مدخلی با عنوان «حدود کتاب» و در پایان نشانه‌های اختصاری منابع خارجی و فهرست اعلام است. بخشهای کتاب مجزا و درعین حال مرتبط بهم می‌باشد:

بخش اول شامل نه فصل که بیشتر در زمینه چندگونگی منابع تاریخ اسلامی سخن می‌دارد، و گستردگی آن، مانند: زبان، خط، مجموعه اسناد، منابع نقلی، آثار جغرافیایی، سفرنامه‌ها، منابع فقهی و اداری، منابع شرح احوال و آثار، منابع باستان‌شناسی و سایر منابع.

بخش دوم پیرامون ابزار تحقیق و آثار عمومی است، مانند کتب تاریخی و مراجع، جغرافیا، مکان‌شناسی تاریخی و نژادشناسی، اوزان و مقادیر، که شامل چهارفصل می‌باشد.

بخش سوم که دوازده فصل کتاب را در برمی‌گیرد در زمینه کتابشناسی تاریخی سخن می‌دارد و مهمترین موضوعات این بخش عبارتند از خاور نزدیک و عربستان قبل از ظهور اسلام، محمد(ص)، خلفای راشدین و اموی،

* البته مقصود از «منابع بنیادی»، همان مراجع دست اول موجود درباره هر یک از سلسله‌ها و دولتهاست، چه به مرور زمان، منابع نوظافته هم بدست آمده است.

منابع دست اول تاریخی اشاره دارد.

و به آثار محققان ایرانی اشاره نشده است. و در مورد روابط ایران و اروپا در دوره صفویه فقط به کتاب استاد ارجمند دکتر خانیبا بیانی اشاره دارد که در سال ۱۹۳۷ میلادی چاپ شده است. در حالی که در این زمینه آثار دیگری هم وجود دارد، اگر چه آگاهی از بعضی مقالات و تحقیقات معرفی شده در کتاب^(۶) بسیار مفید است، مانند «فرامین و احکام فارسی در موزه گرجستان» و «اسناد و مدارک فارسی ماته ناداران» و یا مقاله جالب میکلوخوما کلای به نام «چهره اجتماعی تشیع در ایران از آغاز قرن پانزدهم تا قرن شانزدهم».*

۳- کتاب فقط جنبه معرفی مآخذ را ندارد، بلکه از تحلیل و ارزیابی هم کوتاهی نمی‌کند که چنین کاری سخت مشکل و صعب می‌نماید و تزلزل، مهارت و آشنایی دقیق به منابع معتبر از ابزار کار و تحقیق است که مؤلف در حد میسور و ممکن حائز آن است.

۴- از آنجا که هدف کتاب، حضور سیاسی و تاریخی است، لذا هر جا که به روابط سیاسی و یا فرهنگی یا اسلام مربوط می‌شود، مؤلف از ذکر جریانات و حوادث تاریخی خودداری ننموده است. مثلاً در ذیل بحث منابع سلاجقه به مآخذ تاریخ صلیبیان و جنگهای صلیبی که در آن زمان برخی از بلاد اسلامی با آن درگیر بوده‌اند اشاره دارد.

* برای اطلاع از برخی تحقیقات و مطالعات در زمینه سلسله صفویه، خوانندگان می‌توانند اجمالاً به آثار ذیل مسراجمه‌کنند: استرآبادی، سید حسن بن مرتضی حسینی، از شیخ صفی شاه صفی، به اهتمام استاد دکتر احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۶۴. و پرویز، عباس، تاریخ روابط ایران و اروپا در دوران سلطنت صفویه و قاجاریه، تهران، چاپ دوم، ابن سینا، و تاج بخش، احمد، ایران در زمان صفویه، تهران، ۱۳۴۰، و دهگان، ابراهیم، تاریخ صفویان، اراک، ۱۳۳۳. و روملو، حسن، احسن‌التواریخ، چاپ کلکته و چاپهای دیگر. و هربرن، نظام ایالات در دوره صفویه، ترجمه کیکاوس جهاندازی، تهران، ۱۳۴۱. و صدراشمی، سید محمد بن مهدی، قصص‌الخاقانی (تاریخ صفویان) تهران، فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷. و قزوینی، عمادالدین محمد طاهر، عباس نامه، تصحیح ابراهیم دهگان، اراک، ۱۳۲۶. و لاکهارت، لارنس، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، تهران، ۱۳۴۳. و مرعشی، محمد خبیل مجمع‌التواریخ، تصحیح عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۸. و دوسرسو، علل سقوط شاه سلطان حسین، ترجمه دکتر ولی‌الله شادمان، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴. و نظری افوشته‌ای، هدایت‌الله، نقاوة‌الآثار فی ذکر الاخبار، تصحیح استاد دکتر احسان اشراقی، تهران، ۱۳۵۰. و صفوی، طهماسب، تذکره، چاپ برلین، ۱۳۴۳. هق و چاپ اخیر. و مزاولی، میشل، پیدایش دولت صفویه، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۳. و سیوری، راجر، ایران عصر صفویه، ترجمه احمد صبا، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳. و باستانی پاریزی، استاد محمد ابراهیم، سیاست و اقتصاد عصر صفویه، تهران. و نوایی، عبدالحسین، ایران وجهان از مغول تا قاجاریه، تهران، ۱۳۶۴.

۵- در کتاب برای اولین بار به منابع احوال مالیک شام و مصر اشاره گردیده که در زبان فارسی اطلاعات مبسوطی در دست نیست، یا اینکه نگارنده از آن آگاهی ندارد، جز اطلاعاتی که کارل بروکلمان در کتاب تاریخ دول و ملل اسلامی ارائه داده است و پاره‌ای معلومات متفرقه در برخی از تحقیقات و مطالعات دیگر.

۶- مترجم محترم، نام و دیگر خصوصیات آثار اصلی و منابع بنیادین را که در متن ارائه شد و نیز مرجع مقالات را در پایان هر فصل آورده‌اند.

فصل بخش سوم کتاب، باید توسط صاحب نظران و متفرسان مورد ارزیابی قرار گیرد. و نگارنده پاره‌ای از استدراکات خود را (محدود به قسمت تاریخ صفویه و عثمانی‌ها) بیان می‌دارد. و این یادآورهای هرگز و هرگز ارزش کتاب و تلاش مؤلف و مترجم محترم را نمی‌کاهد و صرفاً جنبه یادآوری دارد، تا در چاپهای بعدی در صورت لزوم مورد عنایت قرار گیرد. چنانچه مترجم محترم اشاره داشته‌اند برخی از کارهای مؤلف قدیمی است، و بازنگری دیگری می‌طلبید، مثلاً معرفی منابع عصر صفویه که کاملاً ناقص است و مجموعاً چهار صفحه از کتاب^(۵) را در بر می‌گیرد

عثمانی و ترکی جدید در فصل امپراطوری عثمانی (۸) وجود دارد که به فرصتی دیگر احاله می‌گردد.

لازم به تذکر است که این یادآوریه فقط مربوط به فصل امپراطوری عثمانی* است و فصول دیگر کتاب هم لازم به ارزیابی است.

تردید نباید داشت که تلاش مترجم محترم در ارائه این اثر ماندنی و خواندنی به مجامع علمی و فرهنگی قابل تقدیر است. باید توجه داشت که مؤلف محترم با تمام مهارتی که در معرفی منابع دست اول و اساسی سلسله‌ها، حکومتها و دولتها داشته، اثر خود را «مدخل تاریخ شرق اسلامی» نام نهاده و این برآستی که تواضع علمی وی را نشان می‌دهد.

● سید کاظم روحانی

* در زمینه تاریخ امپراطوری عثمانی، استادانی چند صاحب نام و اثرند که مشهورترین آنها عبارتند از: استاد اسماعیل حقی اوزون چارشی لسی و پروفیسور لطفی بارکان و علامه عظیم‌الشان پروفیسور گوک بیگلین که این کمترین نگارنده، افتخار شاگردی دو استاد متأخر را در استانبول داشته است. و نیز محققانی چون اینال جیق، استاد دکتر فاروق سومر و خانم دکتر میاهات کوتوک اوغلو که از ذوات صاحب اثر و تحقیق بشمار می‌آیند که آثار آنها از یاد و دید مؤلف کتاب دور مانده است.

ضروری است که در زمینه تاریخ امپراطوری عثمانی - در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، دینی، فرهنگی و اجتماعی - کتاب‌شناسی مفصل و جداگانه‌ای تدوین شود.

نگارنده در مجله کیهان اندیشه (شماره ۸) به بخشی از جریانات فرهنگی در قلمرو امپراطوری عثمانی اشاره کرده و اگر فرصت دست دهد سرنوشت امپراطوری عثمانی را از اعتلاء تا انحطاط تحریر نموده، و به خوانندگان گرمی عرضه خواهد داشت.

یادداشتها

۱- رک: کیهان اندیشه، شماره‌های ۴ و ۵ و ۶ و ۱۳ که پیرامون برخی از مراجع و مآخذ اسلامی سخن رفته است، از نگارنده.

۲- رک: پیشگفتار کتاب، ص هفت.

۳- همان مآخذ.

۴- رک: همان مآخذ، ص ۷.

۵- رک: همان مآخذ، ص ۳۱۰-۳۳۳.

۶- رک: همان مآخذ، ص ۳۳۱.

۷- رک: همان مآخذ، ص هشت.

۸- همان مآخذ: ص ۳۴۳-۳۷۲.

چنانچه مترجم محترم در پیشگفتار یادآوری نموده‌اند در تصحیح نام کتب و اعلام ترکی (ترکی عثمانی و ترکی جدید) از افاضات و رهنمودهای عالمانه استاد عالیقدر دکتر زریاب‌خوئی استفاده شده است، (۷) اما در عین حال اشتباهاتی در ضبط کلمات مشاهده می‌گردد که از دیده مترجم دور مانده است و احتمالاً غلط چاپی است، مثلاً

(۱) در صفحه ۳۴۴، ترکان آیدین به مد الف صحیح است و آیدین ایالتی است در غرب ترکیه.

(۲) در صفحه ۳۴۵، تلفظ صحیح کسوپرولو «قوپرولو» می‌باشد.

(۳) در صفحه ۳۴۵، ضبط صحیح اسلاناپا، اصلان آپا می‌باشد و نیز کلمه قره‌مان صحیح است نه قرامان.

(۴) در صفحه ۳۴۶، بارکان صحیح است نه برکان، عمر لطفی بارکان مانند استاد علامه پروفیسور گوک بیگلین از اعظم محققان مطالعه در زمینه تاریخ امپراطوری عثمانی می‌باشد، که اشتها جهانی دارد.

(۵) در صفحه ۳۴۷، دفتر سنجاق ارناود صحیح است نه اروانید، سنجاق در ترکی عثمانی به معنای ایالت است و ارناود همان کشور آلبانی فعلی است.

(۶) در صفحه ۳۴۷، گوک بیگلین صحیح است. و نام صحیح مقاله چنین است «مقاطع و ملکه‌ها و موقوفات در ایالات ادرنه و پاشا» و کلمه پاشا بصورت پشه آمده است که غلط می‌باشد.

(۷) در صفحه ۳۵۲، طاش قوپروزاده صحیح است.

(۸) در صفحه ۳۵۷، طغرا و پنجه‌لر صحیح است، نه

پنج‌لر.

(۹) در صفحه ۳۵۸، تاریخچه محله موهاج درست

است، نه مُهاج.

(۱۰) مؤلف کتاب وضعیت اقتصادی ترک در دوره

تأسیس و گسترش امپراطوری، استاد مصطفی آق‌داغ (آکداغ در تلفظ) می‌باشد، نه اچداغ.

البته اشتباهات دیگری هم در ضبط کلمات ترکی